


نوع مقاله: ترویجی

«سلام» واژه‌های اصیل


محمد خسروی شکیب / دانشیار دانشگاه لرستان. گروه زبان و ادبیات فارسی

m.khosravishakib@gmail.com

 orcid.org/0000-0003-0140-7155

parvinjavadi8667@gmail.com

سیده پروین جوادی / دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

چکیده

در متون ادب فارسی و از جمله در آثار فردوسی، ناصر خسرو، سعدی، بیهقی و... واژه «درو» معادل و هم معنای با سلام نیست؛ بلکه هم‌تراز با «آفرین»، «تهنیت»، «تحیت» و «صلوات» است و صلوات را نمی‌توان همچون درود در جای سلام و خطاب به هرکس به کار برد. چنین به نظر می‌رسد که ادبا به این نکته واقف بوده و به همین دلیل نیز در آثار خود «درو» را تنها برای گرامی‌داشت انبیاء و اولیای الهی به کار برده‌اند. در فرهنگ و زبان عربی نیز «اهلاً و سهلاً» اصلاً معادل «سلام» نیست؛ و اعراب آن را در وقت خوش آمدگویی به مهمان ادا می‌کنند. با این توصیف، نگارنده می‌پندارد که از همان روز نخست ورود اسلام به ایران زمین، می‌بایست مرتبه «سلام» بالاتر و والاتر از «درو» قرار گیرد و ادبای برجسته نیز به جای «درو» بر انبیاء و اولیاء «سلام» بفرستند، لذا در نوشتار حاضر به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی به اثبات این نکات پرداخته می‌شود: ۱. زیبایی و برتری لفظ و معنای «سلام» بر واژگان دیگر؛ ۲. به کار بردن معنای «سلمنا» برای «سلام» توسط اسلام‌ستیزان.

کلیدواژه‌ها: سلام، درود، سلمنا، اسلام‌ستیزی.

مقدمه

ابتدا اسلام را پذیرفتند عاقل‌تر از ما بودند؛ حال که رستم کشته شده، ما نیز دین جدید را می‌پذیریم.

نحوهٔ اسلام آوردن ایرانیان شبه‌های قدیمی است که هر از چندگاهی در قالب‌های مختلف به جوانان این مرز و بوم با تحریف‌هایی، تحلیل و تزریق می‌شود (همان). دیدگاه‌های مختلفی در مورد نحوه اسلام آوردن ایرانیان وجود دارد؛ ولی نارضایتی مردم ایران از حکومت و بزرگان زرتشت، علت اصلی اشتیاق مردم ایران به دین اسلام ذکر شده است.

بدون شک اگر دین اسلام ظاهر نمی‌شد، دینی که در ایران پذیرفته می‌شد، دین زرتشتی نبود؛ زیرا بزرگان زرتشت مقبولیت خود را از دست داده بودند (کشاورزی، ۱۳۸۵، ص ۶۳). البته باید این نکته را ذکر کنیم که اسلام آوردن مردم ایران، به تدریج صورت گرفت و چنین نبود که همهٔ مردم ایران در یک زمان اسلام را پذیرفته باشند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که آیا سلام در فرهنگ اسلامی، مفهوم نازیایی دارد؟

هدف کلی این تحقیق، آگاهی دادن به هم‌وطنان پارسی‌زبان در مورد معنای الفاظ «سلام»، «درو»، «سلمنا» و «هالا و سهالا» است.

در باب ضرورت این تحقیق باید گفت: افرادی به بهانهٔ پاسداشت زبان پارسی، عامدانه و از سر غرض‌ورزی با دین مبین اسلام «درو» را به جای سلام به کار می‌برند؛ اما همان‌ها آگاهانه و ناآگاهانه هزاران کلمهٔ غیرفارسی به کار می‌برند و در این میان، تنها بر روی لغات عربی حساسیت خاصی دارند. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که آنان آشکارا پرچم مخالفت با قرآن و احادیث و روایات دین مبین اسلام برداشته‌اند و متأسفانه برخی از افراد نیز بدون دانستن معنا و مفهوم دقیق لغاتی مانند سلام و درو، تنها از سر احساسات آن را به کار می‌برند که بسیار ضروری است که در این خصوص اطلاع‌رسانی‌های مداوم صورت گیرد، تا افراد دچار اشتباه نشوند.

بررسی سوابق تحقیق نشانگر آن است که مقالات اندکی تحت این عنوان تدوین شده است؛ که در ذیل به نمونه‌هایی از آنان اشاره می‌شود: - «سلام در آموزه‌های اسلامی و پیامدهای تربیتی آن» (فیاض و انصافی مهربانی، ۱۳۹۶)؛

- «بررسی معناشناسی واژه سلام در تفسیر تبیان شیخ طوسی» (کاظمی سهلوانی و همکاران، ۱۳۹۶).

در روزگار معاصر، عده‌ای از افراد بی‌نام و نشان بر این باورند که سلام یعنی «من تسلیم اعرابم» و به عوام نیز باورانده‌اند که در زمان حملهٔ اعراب، ایرانیان مغلوب، در کوی و برزن از بیم آنکه مبادا مورد حملهٔ اعراب متجاوز قرار گیرند و ناچار به پرداخت جزیه شوند، دستان خود را به علامت تسلیم بالا برده و لفظ «سلام» را بر زبان می‌راندند و هر کس که به این شیوه اعلام تسلیم‌شدن می‌کرد، از تازیانه در امان می‌ماند. همچنین گفته‌اند: اعراب به هنگام روبه‌رو شدن با یکدیگر «سلام» نمی‌گویند؛ بلکه «هالا و سهالا» می‌گویند.

اما به نظر می‌رسد که چنین نیست و این احتمال وجود دارد که اسلام‌ستیزان سهواً یا عمداً واژه «سلمنا» را که معنای تصدیق و اظهار تسلیم می‌دهد، «سلام» پنداشته باشند.

به مثالی در این مورد از کتاب *ترجمهٔ محاسن اصفهان* توجه شود: ابومسلم گفت: «و به اتفاق اهل اصفهان از تمامت اطراف و محلت‌ها، محلت جروآن؛ و در آن محلت خوش‌تر از خانهٔ من نیست. حاضران جملگی سلمنا گفته و نتیجهٔ مقدمات او را صادق دانستند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۵، ص ۱).

همچنین مطابق بررسی‌های محققان و تاریخ‌نویسان «مردم ایران در زمان جنگ اعراب در چنان شرایط اجتماعی و اقتصادی و روانی خاصی قرار داشتند که اسلام را با آغوش باز پذیرفتند؛ به طوری که حتی گسترش اسلام در بین زرتشتیان نیز اعجاب‌انگیز و غیر عادی به نظر نمی‌رسید؛ زیرا مقام دینی ملی زرتشتی با سقوط خاندان ساسانی که آن را برپا داشته بودند، به یکباره سقوط کرد و از آنجاکه نیروی دیگری برای برپا داشتن آن وجود نداشت، پیروان آن تغییر دین و پذیرش اسلام را ساده تلقی کردند (نقیسی، ۱۳۳۲، ص ۲۳۸).

با توجه به این حقایق نسبت دادن زوال و نابودی کامل دین زرتشت به اجبار مردم بر تغییر دین و تحمیل اسلام بر مردم به وسیلهٔ فاتحین مسلمان، مسلماً محال و غیرمنطقی است؛ زیرا تعداد افرادی که در روزهای اول حکومت اعراب در ایران، اسلام را پذیرفتند، بسیار زیاد بود؛ ولی ادامهٔ دین باستانی آنان تا این اواخر و گزارش پذیرش اسلام به طور انفرادی در طول قرون بعد، این مطلب را کاملاً تقویت می‌کند که گسترش اسلام هم مسالمت‌آمیز و هم داوطلبانه بود؛ زیرا پس از جنگ قادسیه که در آن ارتش ایران به سرکردگی رستم بکلی متلاشی شد؛ بسیاری از قبایل که در دو طرف فرات زندگی می‌کردند، نزد سردار ارتش اسلام آمده و گفتند قبایلی که

۲. زبان و فرهنگ و ادب فارسی از ریشه‌دارترین زبان‌ها و فرهنگ‌های دنیاست و اصالت خود را از فرهنگ و زبان اقوامی نظیر کرد، لر، ترک، افغان، تات و عرب وام گرفته است. «سلام» نیز عضوی جداناپذیر از این فرهنگ است. اینکه فارس لفظ «درد» را بر زبان براند و کرد و ترک واژه‌های خود را ادا کنند، هدفی برای تفرقه‌اندازی بین اقوام مختلف ایرانی است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که تمام این موارد، نشان‌دهنده آن است که «سلام» به معنای تسلیم نیست.

۲. ممنوعیت سلام

در فرهنگ اسلامی سلام کردن به چند طایفه ممنوع شده است، تا انسان از شر آنان در امان بماند (منظور از این ممنوعیت، کراهت است).
۱. افراد شراب‌خوار، قمارباز، رباخوار، متجاهر به فسق و کسانی که به‌طور آشکار، مرتکب کارهای خلاف می‌شوند و شاید سلام و احوال‌پرسی با این‌گونه افراد نوعی تأیید و صحنه گذاشتن بر اعمال زشتشان محسوب شود. از این‌رو شایسته است که هر مسلمانی برای جلوگیری از فساد، گناه و اعمال زشت و نامشروع، از سلام کردن به این افراد خودداری کند و با چهره‌ای گرفته و نگاهی نامهربان با آنها برخورد کند. مگر آنکه شیوه سلام و احوال‌پرسی در هدایت آنها مؤثر باشد و انسان بخواهد آنها را با این شیوه امر به معروف و نهی از منکر کند (محدث نوری، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۴۰۸).

۲. سلام کردن به بعضی از افراد به دلیل اشتغال به برخی کارها و دشوار بودن جواب سلام در آن حال، نهی شده است؛ مانند سلام کردن به نمازگزار و نیز فرد در حال استحمام، تخلی و یا هر کار دیگری چون مسواک زدن، که جواب سلام دشوار بوده یا مناسب وضعیت جواب‌دهنده نیست.

۳. سلام کردن به کسانی که از جرگه دین و ملت اسلام و مسلمانان خارج هستند؛ زیرا سلام کردن به آنها ممکن است به معنای تأیید دین و آیین نادرست آنها بوده و آنها را در پافشاری و دل‌خوشی به آیین انحرافی خود، پایبندتر کند. البته اگر آنها در وضعیتی قرار داشتند که انسان بتواند با سلام کردن و ابراز محبت، آنها را به راه راست هدایت کند، چنان که در سیره اولیای دین چنین مواردی دیده می‌شود، شایسته است در هدایت آنها کوتاهی نکند (کلینی، ۱۳۳۰ق، ج ۲، ص ۶۴۵).

۴. گاهی مخاطب انسان، فردی است که سلام کردن به او ممکن است برای انسان مفسده‌آمیز باشد و یا تأثیر نامطلوبی بر

همچنین تحقیقات بسیار اندکی به صورت مقالات پراکنده در این زمینه صورت گرفته که بر روی سایت‌های اینترنتی قابل مشاهده هستند و هیچ‌کدام از این تحقیقات، تاکنون نتوانسته آن‌طور که باید و شاید، با مقایسه‌ای دقیق، علمی و منسجم، برتری واژه «سلام» بر واژه «درد» را اثبات کند.

۱. آیا سلام در فرهنگ اسلامی مفهوم نازیبایی دارد؟

اسلام همواره دین صلح، مهربانی بوده و همیشه پیروان خود را به استعمال لفظ لطیف سلام امر کرده است؛ همچنین طرز برخورد با اشخاص را به بهترین وجه بیان کرده و روشن ساخته که جایگاه «سلام» در اسلام چیست و چه کسانی باید آغازگر این مهم باشند. «برخلاف آداب و رسوم اکثر مردم جهان در گذشته و حال که احترامشان بر همدیگر، بیشتر احترام و تحیت ارباب رعیتی یا نوکر و آقای و یا شاه و گدایی است؛ تحیت و احترام در ادیان الهی بالاخص اسلام، در سطح عالی روحی و روانی و روان‌شناسی طراحی شده و حاکی از سلامت و ایجاد آرامش و امنیت است؛ چراکه دستور اسلام هنگام ملاقات و برخورد انسان‌ها با همنوعان خود، لفظ «تحیت» و «سلام» است. وقتی کسی به دیگری سلام می‌کند، درواقع به طرف مقابل می‌فهماند که از طرف من در امانی و یا خدا تو را از تمام بلیات و زشتی‌ها حفظ کند و آرزوی سلامت تو را دارم و زنده باشی (فرج‌اللهی، ۱۳۸۸).

و بر همین پایه می‌توان ادعا کرد که حتی اگر «سلام» آن‌گونه که معرضان اسلام‌ستیز گفته‌اند معنای تسلیم و تواضع بدهد، باز هم می‌توان گفت:

۱. هیچ اشکالی ندارد اگر در برابر خداوند، پدر و مادر، استاد، دوستان، همسایگان و هم‌وطنان خویش اظهار تواضع کنیم و با «سلام» به آنها بگوییم که از جانب ما زبانی به آنان نخواهد رسید و چشم آن داریم که از جانب آنان نیز زبانی به ما نرسد.

«پیامبر اکرم ﷺ بر کوچک و بزرگ «سلام» می‌کرد و در سلام کردن به کودکان پیشی می‌گرفت و به آنان دست می‌داد» (جرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۰۹).

امام رضا علیه السلام فرموده است: «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى النَّبِيِّ، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ص ۷۱۴)؛ هرکس با مسلمانی فقیر رو به‌رو شود و به او سلامی متفاوت کند که به ثروتمند می‌کرد؛ روز قیامت خداوند عزوجل را دیدار کند، درحالی که خدا از او در خشم است.

روحیه معنوی او بگذارد؛ مانند سلام کردن به زن جوان. امیرمؤمنان علیؑ از سلام کردن به زنان جوان پرهیز می‌کرد و می‌فرمود: «أَخَوْفُ أَنْ تُعْجِبَنِي صَوْتُهَا فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِمَّا أَطْلُبُ مِنَ الْأَجْرِ» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۴۶۹)؛ می‌ترسم، صدای او برایم خوشایند باشد و بیش از آنچه امید اجر دارم، زبان کنم.

۳. معنای لغوی سلام

سلام [س] [ع] (ا) کلمه دعایی مأخوذ از تازی، به معنای بهی، که در درود بر کسی گویند؛ یعنی سلامت و بی‌گزند باشید (دهخدا، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۱۴۶). پاکی و رهایی از عیب و آفت؛ بی‌عیبی (عمید، ۱۳۸۹، ص ۶۸۹)؛ و نیز تهنیت و زندش و تحیت و درود و خیر و عافیت و تعظیم و تکریم و با فعل دادن، کردن، و زدن و گفتن آید (نفیسی، ۱۳۴۳، ص ۴۲۲). درود گفتن و تهنیت گفتن (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۲۰). صدهزاری که به هندی لکه گویند و در *سراج اللغات* از کتاب دیستان نقل کرده است که مراتب اعداد نزد فارسیان بدین گونه است: یک، ده، صد، هزار؛ و سلام یعنی صد هزار. و صد سلام را شمار گویند و صد شمار را اشمار و صد اشمار را اراده و صد اراده را رالی ارار گویند (دبیر سیاقی، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۲۳۴). بی‌گزندگی (فؤادیان و حاجیان‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲). پاکی از عیب‌ها (همان). تجرد النفس عن المحنة فی الدارين؛ برهنه شدن نفس از محنت دو جهان (نوربخش و سیدعرب، ۱۳۹۴، ص ۹۸).

۳. معنای لغوی «سلمنا»

سلمنا [س ل ل] (ع فعل ماضی) در مقام تصدیق و اظهار تسلیم به‌کار رود (دهخدا، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۱۷۹).

۴. معنای لغوی اهلاً و سهلاً مرحباً

اهلاً [أ ل ن] (صوت) در عربی مفعول مطلق است اهلاً و سهلاً. اهلاً و مرحباً، مأخوذ از تازی؛ خوش آمدید (نفیسی، ۱۳۴۳، ص ۳۳۷). اهلاً بک، مرحباً بک؛ خوشامدی است که به وارد و مهمان گویند اهلاً و سهلاً و مرحباً؛ دستور عرب است که چون کسی از راه دور بیاید این هر سه کلمات گویند. اهلاً، یعنی آمدی تو اهل و اقریبای خود را؛ سهلاً، یعنی سیر کردی تو زمین نرم را مرحباً؛ یعنی جای تو فراخ است (دبیر سیاقی، ۱۳۳۷، ص ۶۷). شادم به تو مرحباً و اهلاً * ای بخت سعید مقبل من (خطیب

رهبر و باغبان‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۴۷۰). بر خوانم را حلون اگر نیست * امید به مرحبا و اهلا (نفیسی و بابایی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۸).
خه مرحبا و اهلا آخر تو خود کجایی * احوال ما نپرسی نزدیک ما نیایی (همان).

ای غبار موکبت چشم فلک را توتیا * خیر مقدم مرحبا «اهلاً و سهلاً» مرحبا (مشفق، ۱۳۹۸، ص ۱۸، قصیده شماره ۱).
با تکیه بر معانی اهلاً و سهلاً در لغت نامه‌ها و نیز آیات فوق، می‌توان نتیجه گرفت که «اهلاً و سهلاً مرحباً» اصلاً معادل «سلام» نیست؛ بلکه در معنای خوش‌آمدگویی به مهمان به‌کار می‌رود.

۵. معنای لغوی «درود»

درود [د] به معنای صلوات است که از خدای تعالی رحمت و از ملائکه استغفار و از انسان ستایش و دعا و از حیوانات دیگر تسبیح باشد (دبیر سیاقی، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۹۵). اسم پهلوی «سلام»؛ ثنا، ستایش، نیایش، دعا و رحمت است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۵۲۹).

۶. «درود» در آثار منثور و منظوم ادب فارسی در معنای «صلوات»

۱. سلام و تحیات و درود و صلوات به ذات معظم مصطفی صلوات الله علیه رسانید. *خواجہ بدرالدین* به فراوان پرسش و بسیار درود و یادکرد مخصوص‌اند (روشن، ۱۳۶۲، ص ۱۴۰).

۲. «درود خدای تعالی بر محمد و همه آل او باد» (فیاض، ۱۳۹۳، ص ۳۱۴).

۳. درود بر پیامبر باز پسین، پیشرو پیامبران پیشین (شعار، ۱۳۸۴، ص ۱).

۴. عهدی است که بر پیغمبران و فرستاده‌های او - که بر ایشان باد درود - گرفته شده (فیاض، ۱۳۹۳، ص ۳۱۷).

۵. درود و سلام و تحیات و صلوات ایزدی بر ذات معظم و روح مقدس مصطفی و اهل بیت و اصحاب و اتباع و یاران و اشیاع او باد (مینوی، ۱۳۷۱، ص ۱).

۶. چنین گوید *ابوالحسن عبدالله بن مقفع* پس از حمد باری عز اسمه و درود بر سید کاینات (همان).

۷. درود بر سید کونین که اکمل انبیا بود (قزوینی و معین، ۱۳۶۹، ص ۱).

دگر بر علی و محمد درود * به یارانش بر هر یکی برفزود (خاقانی، ۱۳۵۱، ص ۱۲).

۸. سلام نامی از نام‌های بهشت

یکی از نام‌های بهشت «دارالسلام» است؛ یعنی جایگاه کمال و دور بودن از عیب‌ها و نقص‌ها و خلاص شدن از تعلقات فانی و بالتبع تباهی و فنا و خداوند رحمان و رحیم بندگان را به چنین مقام و جایگاهی دعوت می‌کند: «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (یونس: ۲۵)؛ و خدا [شما را] به سرای سلامت (بهشت سالم از فنا و زوال) فرامی‌خواند و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

در روز قیامت به مؤمنان گفته می‌شود: «ادْخُلُوا بِسَلَامٍ آمِينَ» (حجر: ۴۶)؛ با سلام و امن وارد بهشت شوید. به هر حال اهمیت موضوع سلام به خاطر این است که به طرف احساس آرامش می‌دهد و این در زندگی اجتماعی خیلی مهم است.

۹. سلام زیباترین کلام در بهشت

خداوند علیم می‌فرماید که مؤمنان در بهشت گفت‌وگوی لغو و بیهوده ندارند؛ بلکه به یکدیگر سلام می‌گویند: «إِلَّا قِيلًا سَلَامًا» (واقعه: ۲۶). آیا این کلام حق بدان معنا نیست که آنان جز سخن حق و آنچه موجب رشد، کمال و بهجت است، به یکدیگر نمی‌گویند؟

«لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (مریم: ۶۲)؛ در آنجا جز سلام و درود (از فرشتگان و از یکدیگر) هرگز کلامی لغو و باطل نمی‌شنوند و برای آنها در آنجا روزی‌شان بامداد و شبانگاه (مهیا) است.

«وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ» (یونس: ۱۰)؛ گفتار آنها (بهشتیان) در بهشت این است که: خداوند، منزهی تو و تحیت آنها در آنجا سلام است. «تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ» (احزاب: ۴۴)؛ تحیت آنان (مؤمنان) در روزی که او (خدا) را دیدار می‌کنند، سلام است؛ و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است.

«إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا» (واقعه: ۲۶)؛ تنها چیزی که (بهشتیان) می‌شنوند، سلام است.

از این آیات می‌توان به این نتیجه رسید که سلام، نه تنها تحیت و هدیه و شعار مؤمنان و خوبان در دنیا است؛ بلکه تحیت و هدیه اهل بهشت هم هست؛ گرچه متأسفانه در جامعه اسلامی معاصر عده‌ای آگاهانه یا ناآگاهانه آن را به فراموشی سپرده‌اند.

که بعد طاعت قرآن و سجده در کعبه * پس از درود رسول و صحابه در محراب (سجادی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳).

تا آل مصطفی را از ایزد درود باشد * بر تو درود بادا از مصطفی و آتش (همان، ص ۱۲۵).

هزاران درود و هزاران سلام * ز ما بر محمد علیه‌السلام (یغمایی، ۱۳۱۷، ص ۳۶۵).

لازم به ذکر است که خاقانی و سعدی و بسیاری دیگر از شعرا و نویسندگان نامدار پارسی زبان، شیفته حضرت رسول ﷺ و آل او بوده و هر دم بر آنان درود فرستاده‌اند. بی‌تردید آن شعرای نامدار نمی‌دانستند روزگاری خواهد آمد که اسلام‌ستیزان «درود» را به کوی و برزن می‌کشاند. یعنی اگر نظامی یا سعدی در روزگار معاصر می‌زیستند، از دیدن درودگویان کوچه و بازار انگشت تحیر به دندان می‌گزیدند؛ چراکه به نظر می‌رسد «درود» از نظر آنها معنای صلوات می‌داده و سزاوار انبیاء و اولیای الهی بوده است.

البته نظامی گنجوی که از متشرعین زمان خویش و با قرآن مأنوس بوده است، در آغاز هفت پیکر خویش و در وصف معراج حضرت رسول ﷺ چنین سروده است:

دیده بر یک جهت نکرد مقام * کز چپ و راست می‌شنید سلام (سرمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

و این نشان می‌دهد که ادبای برجسته قرون گذشته نیز قدر و منزلت سلام را می‌دانسته‌اند.

۷. سلام نام زیبای خدا

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره مبارکه «حشر»، خود را به این نام خوانده است، آنجا که می‌فرماید: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ»؛ اوست خداوند یگانه‌ای که جز او معبودی نیست، مالک و حاکم است و از هر عیبی منزّه می‌باشد، به کسی ستم نمی‌کند» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴۱).

یکی از اسم‌های خدای متعال «سلام» است و آنجا که این اسم در قرآن کریم ذکر شده به دنبالش «مؤمن» هم آمده است: «السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ»؛ خداست که سلامتی را تأمین و خطر را از دیگران رفع می‌کند. «مؤمن» در اینجا یعنی کسی است که ایجاد امنیت می‌کند (همان).

امام باقر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ السَّلَامَ إِسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ سلام، نامی از نام‌های خداوند بزرگ است (همان).

۱۰. سلام در قرآن کریم

در کلام الله مجید به مناسبت‌های گوناگون آیاتی در این زمینه وارد شده و با الفاظی همچون «تجیت» و «سلام» آمده و وظایف اشخاص را نسبت به همدیگر درباره سلام و اینکه چگونه سلام کنند و به چه کسانی سلام کنند و طرز پاسخ سلام دیگران چیست، یاد داده و به بهترین وجه بیان کرده است:

«سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس: ۵۸)؛ سلام، گفتار پروردگار مهربان است.

«إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا» (ذاریات: ۲۵)؛ هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند.

«فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ» (نور: ۶۱)؛ و هرگاه به خانه‌ها در آمدید، به خویشتن سلامی که درودی از جانب خدا و مبارک و پاکیزه است بگویید.

«وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ» (هود: ۶۹)؛ فرستادگان ما (فرشتگان) برای ابراهیم بشارت آوردند، گفتند: سلام (او نیز) گفت: سلام.

«وَوَبَّيْهُمُ عَنْ ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ، إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا» (حجر: ۵۱)؛ و به آنها (مردم) از مهمان‌های ابراهیم خبر ده هنگامی که بر او وارد شدند و گفتند: سلام.

«يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل: ۳۲)؛ همان‌ها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند درحالی که پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنها می‌گویند: سلام بر شما، وارد بهشت شوید.

«قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي» (مریم: ۴۷)؛ ابراهیم (به پدرش) گفت: سلام بر تو، من به‌زودی از پروردگارم برایت تقاضای عفو می‌کنم.

و نیز حضرت باری تعالی در آیات ذیل به انبیاء و برگزیدگان خود چنین سلام می‌دهد:

«سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» (صافات: ۷۹).

«سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (صافات: ۱۰۹).

«سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ» (صافات: ۱۲۰).

«وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ» (صافات: ۱۸۱).

بر پایه همین آیات مقدس، باید به اسلام‌ستیزان و منکران «سلام» گوشزد کرد که اگر سلام معنای تسلیم می‌دهد، پس چرا خداوند در کتاب مقدس خویش به انبیاء خود سلام می‌دهد؟ آیا نعوذ بالله حضرت باری تعالی خود را تسلیم انبیاء خود می‌داند و به آنان سلام می‌کند تا از

زخم تازیانه و یا پرداخت جزیه به آنان در امان بماند؟!

درواقع نگارنده این سطور می‌پندارد که برخلاف تصور منکران «سلام»، ایرانیان پس از ورود اسلام، منزلت خویش را در حد انبیاء و اولیای الهی پنداشته و بر همین اساس «درو» باستان را کنار نهاده و با «سلام» به یکدیگر عرض ادب و احترام کرده‌اند.

۱۱. سلام در روایات اسلامی

پیامبر اکرم ﷺ: «افشوا السلام بینکم تحابوا» (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۷۳): به یکدیگر بلند سلام کنید تا موجب محبت میان شما شود. امیرمؤمنان علی ﷺ: «لِكُلِّ دَاخِلٍ دَهْشَةٌ فَاذْبُتُوا بِالسَّلَامِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۹)؛ هر وارد شونده‌ای دهشتی دارد، پس ابتدای به سلام کنید.

پیامبر اکرم ﷺ: «السلام تطوع و الرّد فربضة» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴۴)؛ سلام کردن مستحب؛ اما پاسخ آن واجب است.

حضرت محمد ﷺ به همه سلام می‌کرد؛ حتی به کودکان و بردگان؛ ایشان در سلام کردن سقت می‌جست، به‌طوری که اگر کسی می‌خواست پیش‌دستی کند و به پیامبر زودتر از آن حضرت سلام دهد، مشکل بود.

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ مَن بَدَأَ بِالسَّلَامِ» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۳۶)؛ سزاوارترین مردم به خدا و پیامبرش کسی است که ابتدای به سلام کند.

و نیز نقل شده است که: «انّ من موجبات المغفرة بذل السّلام و حسن الكلام» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹۷)؛ سلام کردن و سخن نیکو گفتن مایه آمرزش است.

۱۲. روح زیباندیش یک مسیحی

آیت‌الله مجتهدی تهرانی در صفحه ۷۱ کتاب مواعظ خویش چنین می‌فرماید: «اگر کسی به شما گفت سلام؛ شما در پاسخ بگویید: سلام علیکم؛ اگر گفت سلام علیکم؛ شما بگویید سلام علیکم و رحمت الله؛ اگر گفت سلام علیکم و رحمت الله؛ شما بگویید: سلام علیکم و رحمت الله و برکات؛ و اگر گفت سلام علیکم و رحمت الله و برکات؛ اگر صبح است، در آخر سلامتان «صَبْحَكُمُ اللهُ بِالْخَيْرِ» و اگر عصر است «مَسَاكُمُ اللهُ بِالْخَيْرِ» بگویید.

هم ایشان در ادامه می‌فرمایند: مردی مسیحی اهل شوروی مسلمان شده بود و کفاشی داشت؛ در همان کفاشی‌اش هم فوت

منابع.....

- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۸۵، *ترجمه محاسن اصفهان*، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- پابنده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *ترجمه نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- خاقانی، افضل‌الدین، ۱۳۵۱، *دیوان، گزینش و شرح ضیاءالدین سجادی*، تهران، علمی و فرهنگی.
- خطیب رهبر، خلیل و علی باغبان‌زاده، ۱۳۷۵، *دیوان غزلیات سعدی*، زیر نظر محمد فرهادی، تهران، مهتاب.
- دبیر سیاقی، محمد، ۱۳۳۷، *فرهنگ غیث اللغات*، تهران، معرفت.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۹۱، *امثال و حکم*، چ بیست و یکم، تهران، امیرکبیر.
- روشن، محمد، ۱۳۶۲، *تصحیح منشآت خاقانی*، چ دوم، تهران، فرزانه.
- سرمدی، مجید، ۱۳۸۹، *هفت نگار آسمانی*، چ چهارم، تهران، علمی.
- شعار، جعفر، ۱۳۸۴، *گزیده تاریخ جهان‌گشای جوینی*، چ سوم، تهران، قطره.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- ، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ لغات*، تهران، عفت.
- فرج‌اللهی، فرج‌اله، ۱۳۸۸، «سلام بهترین هدیه اسلامی»، *مکتب اسلام*، ش ۶ ص ۲۷-۳۳.
- فؤادیان، محمدحسن و علیرضا حاجیان‌زاد، ۱۳۸۸، *منتهی‌الارب فی لغة العرب عبدالرحمن صفی پوری شیرازی*، تهران، دانشگاه تهران.
- فیاض، ایراندخت و سپیده انصافی مهربانی، ۱۳۹۶، «سلام در آموزه‌های اسلامی و پیامدهای تربیتی آن»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ش ۹، ص ۸۵-۱۰۴.
- فیاض، علی‌اکبر، ۱۳۹۳، *تصحیح تاریخ بیهقی*، تهران، هرمس.
- قزوینی، محمد و محمد معین، ۱۳۶۹، *تصحیح چهار مقاله عروضی سمرقندی*، تهران، آیدین.
- کاظمی سهلوانی، حسن و همکاران، ۱۳۹۶، «بررسی معناشناسی واژه سلام در تفسیر تبیان شیخ طوسی»، *ادب عربی*، سال نهم، ش ۱، ص ۲۴۹-۲۶۰.
- کشاورزی، خسرو، ۱۳۸۵، *ترجمه تاریخ باستان تا امروز*، تألیف آ.آ. گران‌توسکی و م.آ. داندامایو، تهران، مروارید.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۳۰ق، *الکافی*، قم، مرکز بحوث دارالحدیث.
- محدث نوری، میرزا حسین، ۱۳۶۹، *مستدرک الوسائل*، قم، آل‌بیت.
- مشفق، منصور، ۱۳۶۷، *تصحیح دیوان سلمان ساوجی*، مقدمه تقی تفضلی، تهران، صفی‌علیشاه.
- معین، محمد، ۱۳۶۰، *لغت‌نامه*، تهران، زرین.
- مینوی، مجتبی، ۱۳۷۱، *کلیله و دمنه* (تصحیح و توضیح)، تهران، امیرکبیر.
- نقیسی، سعید و پرویز بابایی، ۱۳۷۶، *تصحیح و مقدمه دیوان انوری*، تهران، نگاه.
- نقیسی، سعید، ۱۳۳۲، *تصحیح تاریخ مسعودی (تاریخ بیهقی)*، تهران، دانشگاه تهران.
- نقیسی، علی‌اکبر (ناظم الاطباء)، ۱۳۴۳، *فرهنگ نقیسی*، تهران، خیام.
- نوربخش، سیما و حسن سیدعرب، ۱۳۹۴، *تعریفات جرجانی (فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی)*، چ دوم، تهران، فروزان‌روز.
- یغمایی، حبیب، ۱۳۱۷، *گمراه‌سب‌نامه اسدی طوسی*، تهران، بروخیم.

کرد. او مرید آیت‌الله لنگرودی بود. یک روز صبح به او گفتم: «صَبْحَكُمْ اللَّهُ بِالْخَيْرِ»؛ و او در پاسخ من گفت: «مَسَاكُمُ اللَّهُ بِالْخَيْرِ»؛ گفتم: «أَقَا الْإِن صَبَحَ اسْت، شَمَا چطور می‌گویید مساکم‌الله بالخیر؟ پاسخ داد: تا وقتی که امام زمان حضرت مهدی عج تشریف نیاورده‌اند، صبح نیست. از پاسخ او مسرور شدم. انسان وقتی این حرف‌ها را می‌شنود، منقلب می‌شود. چقدر فهم داشت؛ واقعاً تا حضرت صاحب‌الزمان عج تشریف نیاورده‌اند صبح نیست».

در همین رابطه در آیه ۸۶ سوره «نساء» چنین آمده است: «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا»؛ هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید.

آیه فوق گرچه معنای وسیعی دارد؛ اما یک مصداق روشن آن، سلام کردن است. براساس این آیه، همه مسلمانان موظفند که سلام را به‌طور عالی‌تر و یا دست‌کم مساوی جواب گویند؛ چراکه سلام کردن مستحب و جواب آن واجب است.

نتیجه‌گیری

«سلام» واژه‌ای است که موجب آغاز و تداوم سازنده یک ارتباط کلامی می‌شود. در قرآن، احادیث و اقوال بزرگان، به استفاده از این لفظ سفارش شده است. هرچند اسلام‌ستیزان و افراد مغرض «سلام» را همعرض و در معنای «تسلیم» و «فرمان‌برداری» تفسیر کرده‌اند؛ اما با عنایت به نمونه‌های قرآنی و همچنین با توجه به بافت فرهنگی و مذهبی ایران بعد از اسلام، می‌توان نتیجه گرفت واژه «سلام» هرگز به معنای «تسلیم» و «تقدیم هدیه نقدی و یا جزیه دادن» نبوده است و در ذات این واژه هیچ کم‌گرفت و تحقیری وجود ندارد، بلکه دلالت‌های معنایی این واژه یکسره نیکویی، خیر و احترام متقابل است؛ از این‌روست که خداوند متعال در قرآن، مکرر بر انبیا و اولیاء «سلام» می‌فرستد. «سلام» کردن و استمرار آن در میان جامعه، موجب تقویت روانی و همچنین انسجام و ارتباط اجتماعی می‌شود. «سلام» کردن نوعی از خوشآمدگویی و تحیت است که افراد را از غرور و نخوت فردی دور می‌کند و موجب لطافت و الفت اجتماعی می‌شود و با ایجاد و تقویت حس دیگرخواهی، موجب می‌شود تا وحشت و ترس جمعی زایل گردد. «درود»، «هلا و سهلاً» مرحبا و... هرچند دلالت‌های معنایی مثبتی دارند، اما وسعت و دامنه سازندگی جمعی و روانی آنها به اندازه «سلام» نبوده است؛ چراکه «سلام» واژه‌ای اصیل، اجتماعی، فرهنگی و البته قرآنی است که ضامن آرامش روانی و ارتباط سالم اجتماعی است.